

مرتبۀ «صدیقین»

حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ضمن اشاره به سه مرحله صدق بیان کرد: شما هم به امام زمان (عج) تعهد بدهید که از این روز به بعد دیگر دروغ نمی‌گویید ولی اول مراقب باشید همین تعهدی که می‌دهید دروغ نباشد!



حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ضمن اشاره به سه مرحله صدق بیان کرد: شما هم به امام زمان (عج) تعهد بدهید که از این روز به بعد دیگر دروغ نمی‌گویید ولی اول مراقب باشید همین تعهدی که می‌دهید دروغ نباشد!

به گزارش ایکننا، مراسم سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدباقر علوی تهرانی ظهر امروز، سی ام فروردین ماه مصادف با هفدهم ماه رمضان در مسجد حضرت امیر(ع) برگزار شد.

گزیده مباحث این جلسه را در ادامه می‌خوانید؛

چهارمین خصلت جناب لقمان که موجب دستیابی او به حکمت است راستگویی است. راجع به دروغ زیاد سخن گفته شده ولی راجع به راستگویی خیلی صحبت نشده است. صدق سه قسم است: صدق در گفتار، صدق در نیت، صدق در عمل؛ عمل صادقانه، نیت صادقانه، گفتار صادقانه.

صدق در گفتار یعنی چه؟ یعنی سخنی را بیان کنم که مطابق با واقعیت باشد. شما هر حرفی می‌زنید باید مطابق با حقیقت و واقع باشد. مثلاً می‌گویید این جنسی که به شما می‌فروشم کره ای است. اگر کره ای باشد شما در گفتار صادق هستید و اگر غیر آن باشد صادق نیستید. صدق در گفتار مخصوص اخبار است اگر خبری که می‌دهید مطابق واقع باشد به آن صدق در گفتار گفته می‌شود. برخی صدق در گفتار ندارند بلکه اغراق در گفتار دارند. اغراق در گفتار هم صدق در گفتار نیست. صدق در گفتار بیان همان چیزی است که در واقع اتفاق می‌افتد.

برخی دانشمندان علم اخلاق صدق در گفتار را به کلامی می‌گویند که بر اساس واقعیت و به دور از اغراق و دروغ باشد ولی برخی می‌گویند صدق در گفتار صرفاً کلام مطابق با واقع نیست، بلکه کلام مطابق با اعتقاد گوینده است. گاهی من حرفی را می‌زنم که مطابق با واقع است ولی به آن اعتقادی نداریم. در قرآن درباره این نحوه از کلام صحبت شده است. در آیه یکم سوره منافقون می‌خوانیم: «إِذَا جَاءَكَ الْمُتَأَفِّقُونَ قَالُوا تَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُتَأَفِّقِينَ لَكَاذِبُونَ؛ چون منافقان نزد تو آیند گویند گواهی می‌دهیم که تو واقعا پیامبر خدایی و خدا [هم] می‌داند که تو واقعا پیامبر او هستی و خدا گواهی می‌دهد که مردم دو چهره سخت دروغگویند» حرف منافقین مطابق با واقع بود ولی چون به آن اعتقاد نداشتند، حرفشان دروغ بود. ما از این دروغ‌ها زیاد داریم مثلاً می‌گوییم «خدا بزرگ است» ولی واقعا اعتقاد نداریم خدا بزرگ است. می‌گوییم «خدا روزی می‌رساند» ولی به آن باور نداریم لذا سر همدیگر کلاه می‌گذاریم. جامعه دینی از نظر پیامبر(ص)

صدق، عامل نجات و عامل حیات طیبه ما در قیامت است. امام صادق(ع) فرمودند نگاه نکنید مردی رکوع و سجده طولانی دارد، اینها چیزهایی است که مردم به آن عادت کردند و اگر ترک کنند مضطرب می‌شوند. در روایت دیگری پیامبر(ص) فرمودند به روزه زیادشان نگاه نکنید، به حج زیادشان نگاه نکنید به ناله و زاری شبشان نگاه نکنید، بلکه ببینید راست می‌گویند یا راست نمی‌گویند؛ پیامبر(ص) می‌فرماید این جامعه، جامعه دینی است. در روایت دیگری داریم تمام خبائث را در یک صندوق کردند و فقط یک منفذ دارد و آن دروغ است. روزه ای که ممکن است انسان را دچار هزاران گناه کند از راه دروغ است. کسانی که دروغ نگویند به خبائث دچار نمی‌شوند. شخصی خدمت پیامبر(ص) آمد و به حضرت فرمود من عمل منافی عفت انجام می‌دهم، شراب هم می‌خورم، دروغ هم می‌گویم، چکار کنم؟ حضرت فرمودند دروغ را ترک کن. وقتی بساط شراب برای آن فرد فراهم شد گفت اگر پیامبر(ص) از من بپرسد شراب خوردی نباید دروغ بگویم لذا شراب را ترک کرد و همینطور سایر گناهان را هم کنار گذاشت. شما هم به امام زمان(عج) تعهد بدهید که از این روز به بعد دیگر دروغ نمی‌گویید. امام زمان(عج) امام غایب نیستند امام ناظر هستند و تمام اعمال ما را می‌بینند پس مراقب باش همین تعهدی که می‌گویید دروغ نباشد!

بخش دوم صدق، صدق در نیت است. نیت یک امر معنوی است و در قلب شما شکل می‌گیرد. نیت انگیزه و موتور حرکت انسان است. هرچه ناب‌تر باشد شتاب حرکت شما بیشتر است لذا به ما می‌گویند مهمترین مرتبه صدق، صدق در نیت است یعنی چیزی را تصور کنم که به آن باور دارم. باور در منطقه نیت، نکرده را کرده حساب می‌کند و عملی که انجام ندادی، انجام شده حساب می‌کند. امام صادق(ع) فرمودند: گاهی بندگان مومن هستند ولی دستشان تنگ است، لذا به خدا می‌گویند خدایا

پولی به ما بده تا صرف کار خیر کنیم، اگر خدا صدق نیت آنها را دریابد ثواب همان عمل را برایشان می نویسد.

مهمتر از صدق در نیت، صدق در عمل است. عمل صادقانه یعنی ظاهر و باطن یک چیز باشد، بلکه باطن بهتر از ظاهر باشد. این ربطی به ریا ندارد. یک عده نماز می خوانند سرشان را کج می کنند، چشمشان را خمار می کنند ولی قلبشان غافل از خدا است. این آدم صدق در عمل ندارد، ظاهرسازی می کند. صوفیه در عصر ائمه بزرگترین مشکل در مسیر دعوت به حق بودند. این افراد لباس کهنه می پوشیدند ولی اهل بیت(ع) لباس ظاهر آراسته می پوشیدند ولی لباس باطنشان خشن بود.

اگر این کارها را کردیم یعنی صدق در عمل و نیت و گفتار داشتیم، صدیق هستیم. جای صدیقین کجاست؟ «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا؛ و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند» پس صدیقین کنار انبیا هستند.